

بسوی حزب و انسجام دادن به گرایش سوسیالیسم کارگری

ادامه مصاحبه به پیش! با رضا مقدم
در مورد مباحث کنفرانس ششم
اتحاد سوسیالیستی کارگری

۱۹ - با توجه به اینکه اتحاد سوسیالیستی بیش از یک سال پیش بسوی حزب را انتشار داد (به پیش شماره ۲۱، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۶، ۹ می ۲۰۰۷)، چرا دوباره این مباحث در دستور کنفرانس قرار گرفت؟

بیانیه بسوی حزب مصوب شورای مرکزی اتحاد سوسیالیستی کارگری در ماه می ۲۰۰۷ بود و لازم بود تا در اولین کنفرانس سازمان نیز مورد بحث و بررسی قرار گیرد زیرا این سند اهمیت تعیین کننده ای در جهتگیری فعالیتهای اتحاد سوسیالیستی کارگری داشت و دارد. به همین دلیل کنفرانس سالانه ما سند بسوی حزب را در دستور گذاشت تا جهتگیری اساسی اتحاد سوسیالیستی کارگری پس از کنفرانس را تعیین کند. طبعاً این جهتگیری تنها می توانست در چهارچوب و در خدمت راههایی باشد که بیانیه بسوی حزب برای ایجاد یک حزب کارگری و سوسیالیستی در دوران حاضر مطرح کرده بود. در تاریخ جنبش سوسیالیستی احزاب با تئوری های مختلفی ساخته شده اند چرا که مهر زمان و مکان و موقعیتی که جنبش سوسیالیستی در آن قرار داشته را بر خود دارند. بیانیه بسوی حزب هم از این قاعده مستثنی نیست. با توجه به تجربیات ایجاد احزاب سوسیالیستی در ایران بیانیه بسوی حزب، تشکیل آن نوعی از حزب را مد نظر دارد که از همان ابتدا در بطن جنبش کارگری جای دارد و فعالین کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی در آن دخیل هستند. این حزبی نخواهد بود که تشکیل شود و سپس خواهان پیوستن کارگران و دیگر فعالین جنبشهای اجتماعی به آن گردد. به همین دلیل بیانیه بسوی حزب راه ساختن حزب را نه از طریق اتحاد بر سر پاره ای اصول اعتقادی و یا برنامه، و نه از طریق اتحاد احزاب و سازمانهای موجود بلکه از طریق اتحاد فعالین سوسیالیست جنبش کارگری حول یک استراتژی سوسیالیستی اصولی و راهگشا می داند. استراتژی سوسیالیستی بنا به تعریف اصول اعتقادی و یا برنامه نیست تا بتوان عده ای را جدا از مکان اجتماعی و طبقاتیشان حول آن متحد کرد و حزب ساخت.

اگر قرار بود حزبی حول اتحاد بر سر ایدئولوژی و یا یک سلسله عقاید و یا حول اتحاد بر سر برنامه ساخته شود طبعاً باید مباحث حول اقناع دیگران حول اصول آن عقاید معین و یا حول برنامه صورت می گرفت که البته بسیار زود روشن میشد که این راه بجایی نمیرسد. چرا که بطور مثال هم اکنون چندین حزب و گروه و محفل وجود دارند که هم یک رهبر عقیدتی و هم یک برنامه مشترک دارند و این نشان میدهد توافق حول عقاید و توافق بر سر برنامه نه اتحاد ایجاد می کند و نه مانع انشعاب میشود. این مجموعه اکنون سرگرم رقابت بر سر این هستند که کدام یک از آنها افکار و نظریات رهبر عقیدتی شان را بهتر فهمیده و درک کرده است.

در صورتیکه استراتژی سوسیالیستی مربوط به حیطه فعالیت فعالین سوسیالیست جنبش کارگری برای هدایت طبقه کارگر در مبارزات روز مره کنونی است تا پیروزی نهایی در نابودی نظام سرمایه داری. بنابراین کلیه مباحث نظری حول تدوین میسر پیشروی طبقه کارگر از مبارزات امروز تا به صحنه آمدن بعنوان یک طبقه کارگر متشکل و رویارویی با تمام چالش های در راه تا پیروزی نهایی نه تنها بلافاصله وحدت عمل فعالین سوسیالیست جنبش کارگری را برای به جلو راندن جنبش کارگری در بر دارد بلکه این خود فعالین سوسیالیست جنبش کارگری هستند که در مرکز ثقل این حرکت و حزب قرار دارند. و اتحادی که از این طریق در میان فعالین سوسیالیست جنبش کارگری ایجاد می شود شالوده و بنیان حزبی است که از همان ابتدا در هر حرکت مبارزاتی خود به جنبش کارگری و به میدان آوردن طبقه کارگر متکی است. به این اعتبار متحد شدن فعالین جنبش کارگری حول یک استراتژی سوسیالیستی لاجرم تأثیرات خود را حتی در عمل مبارزاتی روزمره طبقه کارگر هم می گذارد و برای کل جامعه قابل مشاهده است. استراتژی سوسیالیستی یک سلسله عقاید نیست که

بتوان آنرا پنهان کرد، نقشه و حرکت معین یک طبقه است و در مبارزات کارگری و سوسیالیستی به عینه برای همه قابل مشاهده است.

بعلاوه گرایش سوسیالیسم کارگری از ماه می سال ۲۰۰۷ که بیانیه بسوی حزب منتشر شد تا مقطع کنفرانس در اوت ۲۰۰۸، پیشروی قابل ملاحظه ای کرده بود که توسط خود فعالین سوسیالیست جنبش کارگری از آن به عنوان "عروج سوسیالیسم کارگری" نامبرده شد. (که در قسمتهای قبل در مورد جنبش کارگری و دانشجویی آنرا توضیح دادم) و از آنجا که این عروج به معنای نزدیک شدن اتحاد فعالین سوسیالیست جنبش کارگری بر سر مسیر حرکت طبقه کارگر بسوی سوسیالیسم و وحدت نظر بر سر نوع موانع بر سر راه و چگونگی از میان برداشتن آن است، اتحاد سوسیالیستی کارگری نیز بعنوان بخش کوچکی از این گرایش بزرگ و قدرتمند می بایست از بیانیه بسوی حزب گامی بجلو بردارد و وظایفی را در دوران جدید برای خود معین کند. این دومین و مهمترین دلیلی بود که در دستور قرار گرفتن بحث بسوی حزب در کنفرانس را ایجاب میکرد.

۲۰ - در خطوط کلی، چه وظیفه جدیدی را کنفرانس برای رسیدن به حزب توصیه کرد؟

با توجه به پیشروی عملی سوسیالیسم کارگری که قبلا توضیح دادم کنفرانس تنها می توانست وظیفه ای که مربوط به پیشروی کل گرایش سوسیالیسم کارگری باشد را تدوین کند و لذا فقط می توانست فرا سازمانی باشد. بعنوان یک گام اساسی، کنفرانس بر انسجام دادن و هویت مشترک بخشیدن به گرایش سوسیالیسم کارگری تاکید کرد که بنابه تعریف پایگاه عمومی احزاب سوسیالیست است. در واقع قدرت و نیروی اجتماعی سوسیالیسم ایران برای برپایی جامعه مورد نظر به قدرت اتحاد این گرایش و توانایی آن در بسیج کل طبقه حول استراتژی مبارزاتی خویش و گردآوری نیروی دیگر جنبشهای اجتماعی حول خود گره خورده است. سوسیالیسم کارگری آن گراشی است که سیاستهای احزاب مختلف سوسیالیست را محک می زند و معیاری برای دست بالا یافتن خط مشی های مختلف در میان طبقه کارگر می شود.

بیانیه بسوی حزب یک مسیر معین برای ایجاد حزب را مطرح کرده است. ما باید به سهم خود تلاش کنیم تا در این زمینه حرکتی راه بیافتد که طبعا با مباحثی حول یک نقشه عمل معین برای ایجاد چنین حزبی هم توأم خواهد بود. در آن هنگام اتحاد سوسیالیستی کارگری هم بعنوان بخشی از این مجموعه قطعا در آن مباحث شرکت میکند و نقطه نظرات خود را بیان خواهد کرد. بنابراین یافتن یک راه حل مشخص برای ایجاد حزب امری است مربوط به همه جریاناتی که ساختن حزب با این روش معین را اصولی می دانند.

ایجاد حزب حول اتحاد فعالین سوسیالیست جنبش کارگری بر سر استراتژی سوسیالیستی از همان ابتدا اتحاد فعالین جنبش کارگری را حول یک پراتیک معین برای رسیدن به اهداف کوتاه مدت و دراز مدت طبقه کارگر مد نظر دارد و به این اعتبار از همان ابتدا در خدمت اتحاد بین فعالین گرایش سوسیالیست جنبش کارگری و لاجرم کل طبقه کارگر است. موفقیت و پیشرفت در مسیر این نوع معین ایجاد حزب در عین حال موفقیت و پیشروی عملی جنبش کارگری در متحد شدن و متشکل شدن نیز هست که به دلیل تنگاتنگی حرکتش با فعالیت فعالین سوسیالیست جنبش کارگری اگر چه نوسانات طبیعی خود را دارد اما دارای یک روند رو به جلوست. فقط چنین حزبی است که نبضش با نبض جنبش کارگری خواهد زد.

همانطور که پیشتر هم گفتیم انسجام بخشیدن به گرایش سوسیالیسم کارگری شامل عرصه های مختلفی میشود و جنبه های نظری و تاریخی و ایدئولوژیک دارد. انسجام و اتحاد فعالین این گرایش حول استراتژی ویژه در هر جنبش معین، یعنی جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و غیره و ایجاد اتحاد بین این جنبشها بگونه ای که هر جنبش در عین فعالیت برای دستیابی به خواستههای خود بخشی از یک مجموعه بزرگتر و بخشی از یک اتحاد بزرگتر بمنظور پایان دادن به نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم نیز باشد. واضح است که

هویت مشترک بخشیدن به این گرایش نیازمند فعالیتهای نظری بسیاری است از جمله و بطور مثال در نقد استراتژی و آرا و عقاید لیبرالیسم در جنبش کارگری، دانشجویی و جنبش زنان است. فعالیت نظری برای ایجاد درک واحد نسبت به حزب و مسیر ایجاد آن، ایجاد هم نظری در مورد خطوط کلی اوضاع سیاسی ایران، اصلاح طلبان حکومتی، لیبرالها، تاریخ چپ ایران پس از انقلاب و یا اتحاد حول یک سیاست واحد در برخورد به دولتهای امپریالیستی است.

به نقل از به پیش! ۳۶ دوشنبه ۵ اسفند ۱۳۸۷، ۲۳ فوریه ۲۰۰۹